



حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار

غزل معروفی از خیالی بخارایی

ای تیر غمت را دل عشاق، نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی، تو
مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم من، که روم خانه به خانه
هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
تقصیر "خیالی" به امید کرم توست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

** * **